

ایران

«ایران» از برگزاری و تبلیغات آزمون‌های دانش آموزی کشورهای ترکیه، فرانسه، ایتالیا و آلمان در ایران گزارش می‌دهد

تور سفارت‌های خارجی برای جذب دانش آموزان نخبه ایرانی

صفحه ۲۲ را بخوانید



سرعت غیر مجاز، برخورد با بوم بیل مکانیکی

علت اولیه خروج قطار مشهد - یزد از ریل عنوان شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۵ و نیم بامداد چهارشنبه ۱۸ خرداد، قطار مشهد - یزد با ۳۸۲ مسافر در کیلومتر ۵۰ طبس ایستگاه مزینو از ریل خارج شد.

۲۰

وقتی اصلاح شیوه کشت و «به‌زرعی» نتیجه می‌دهد

تولید گندم در خوزستان رکورد زد

برداشت گندم در استان‌های گندم خیز کشور از جمله خوزستان و فارس در جریان است و با وجود تنش آبی که بر بخش کشاورزی سایه انداخته و در خوزستان موجب از بین رفتن ۱۳۶ هزار هکتار گندم دیم و در فارس موجب از بین رفتن ۱۵۰ هزار هکتار گندم آبی و دیم شده اما کشاورزی متکی به فناوری و اصلاح شیوه کشت، موجب شده بخشی از کمبود ناشی از خشکسالی جبران شود.

۱۶

با اکتساب سیون گسترده حاصل شد

تکرار روز صفر کرونایی

۸ روز پس از ثبت اولین روز بدون فوتی کرونایی از ابتدای اپیدمی در کشور، دیروز نیز دومین روز بدون قربانی کرونا را در کشور تجربه کردیم. اولین بار ۱۳ خردادماه ۱۴۰۱ هیچ مورد مرگ‌ومیر ناشی از کرونا در کشور ثبت نشد. در ۸۳۸ روز گذشته ۱۴۱ هزار و ۳۴۳ هموطن جان‌شان را به خاطر ابتلا به ویروس کرونا از دست دادند و حالا در سایه ایمنی حاصل از واکسیناسیون، عفونت قبلی و ...

۲۲



هجرت امام رضا (ع) به ایران و برکات حضورش در میان ایرانیان

آشتی عقل و دین در آموزه های رضوی
 شخصیت‌شناسی معنوی و عبادی امام رضا (ع)
 مشهد پایتخت معنوی ایران و شرق اسلامی

در صفحات ۱۸ و ۱۹ بخوانید

ساعتی در محضر شیخ صفی‌الدین اردبیلی و شاه اسماعیل صفوی

دست افشانی شاخه‌های یاس

تالار قندیل خانه که حدود ۵۰۰ سال پیش به دستور شاه طهماسب اول ساخته شد، محل تجمع عرفای دوره صفوی بوده و تالار قرائت و تفسیر قرآن و جلسات وعظ و بحث که دو طبقه دارد و ایوان‌های طبقه دوم محل نشستن خانم‌ها بوده است با تزئیناتی چشم‌نواز از مقرنس‌های گچی و خطوط اسلیمی و پوششی از پودر طلا و رنگ‌های خیره‌کننده گیاهی و معدنی، این تالار فرشی داشته به نام قالی شیخ صفی که تصویر آن به صورت مطالبر سقف نقاشی شده بوده و هر که وارد تالار می‌شده، سقف و کف را یکی می‌دیده و در میانه عرش و فرش محو می‌شده است



تالار قندیل خانه که حدود ۵۰۰ سال پیش به دستور شاه طهماسب اول ساخته شد، محل تجمع عرفای دوره صفوی بوده و تالار قرائت و تفسیر قرآن و جلسات وعظ و بحث که دو طبقه دارد و ایوان‌های طبقه دوم محل نشستن خانم‌ها بوده است با تزئیناتی چشم‌نواز از مقرنس‌های گچی و خطوط اسلیمی و پوششی از پودر طلا و رنگ‌های خیره‌کننده گیاهی و معدنی، این تالار فرشی داشته به نام قالی شیخ صفی که تصویر آن به صورت مطالبر سقف نقاشی شده بوده و هر که وارد تالار می‌شده، سقف و کف را یکی می‌دیده و در میانه عرش و فرش محو می‌شده است

تالار قندیل خانه که حدود ۵۰۰ سال پیش به دستور شاه طهماسب اول پسر ارشد شاه اسماعیل ساخته شد، محل تجمع عرفای دوره صفوی بوده و تالار قرائت و تفسیر قرآن و جلسات وعظ و بحث که دو طبقه دارد و ایوان‌های طبقه دوم محل نشستن خانم‌ها بوده است با تزئیناتی چشم‌نواز از مقرنس‌های گچی و خطوط اسلیمی و پوششی از پودر طلا و رنگ‌های خیره‌کننده گیاهی و معدنی، این تالار فرشی داشته به نام قالی شیخ صفی که تصویر آن به صورت مطالبر سقف نقاشی شده بوده و هر که وارد تالار می‌شده، سقف و کف را یکی می‌دیده و در میانه عرش و فرش محو می‌شده است. جایی که زیبایی به والایی می‌رسد. اما غم انگیز آنکه سقف فروری ریزد و فرش نیز در دوره قجرها به دلالتی انگلیسی فروخته می‌شود تا زینت بخش موزه ویگتوریا و آلبرت لندن باشد. سقف در همان دوره قاجاریه به صورت مسطح تعمیر می‌شود و فرش هم چند سال پیش به سفارش میراث فرهنگی اردبیل بازایافت می‌شود که حالا نه در قندیل خانه اما در همان مجموعه و در مسجد جنت سرا در معرض دید است. اما چینی خانه که در زمان شاه عباس اول و به عنوان تالاری برای نگهداری چینی‌های سلطنتی دربار چین و هدیه امپراتور این کشور به دربار صفویه ساخته شده است، موزه‌ای شگفت‌انگیز که لااقل چهارصد و بیست، سی سال عمر دارد و متأسفانه عمده محتویات آن در جنگ‌های ایران و روس به غارت رفته و سر تا سر آرمیتاژ روسیه درآورده است. در سال دوم تالار را خواهید دید با مقرنس‌های گچبری توخالی و کرشمه خطوط اسلیمی و رنگی از پودر درخشان طلا. می‌شود تصور کرد وقتی هر چینی در محفظه خود بوده، چه دکور خیره‌کننده‌ای را پدید می‌آوردند است. دختر بچه‌ها جلوی در ایوان بلند جنت‌سرا

حرمخانه نام گرفته است. در حرمخانه برخی از نوادگان شیخ خفته‌اند و یکی از آنها منسوب به شیخ حیدر پدر شاه اسماعیل است. اگرچه بقعه و آرامگاه دیگری نیز به نام شیخ حیدر در مشکین شهر اردبیل وجود دارد.

دو تالار باشکوه قندیل خانه و چینی خانه در این مجموعه از آن مکان‌هایی است که هر بیننده‌ای را مسحور می‌کند، اینجا چیزی فراتر از هنر و زیبایی در جریان است. آن گونه که بیدل دهلوی فرمود: «حیرت‌دهنده گل داغم بهانه‌ای است/ طاووس جلوه‌ز تو آینه خانه‌ای است»

تالار قندیل خانه که حدود ۵۰۰ سال پیش به دستور شاه طهماسب اول پسر ارشد شاه اسماعیل ساخته شد، محل تجمع عرفای دوره صفوی بوده و تالار قرائت و تفسیر قرآن و جلسات وعظ و بحث که دو طبقه دارد و ایوان‌های طبقه دوم محل نشستن خانم‌ها بوده است با تزئیناتی چشم‌نواز از مقرنس‌های گچی و خطوط اسلیمی و پوششی از پودر طلا و رنگ‌های خیره‌کننده گیاهی و معدنی، این تالار فرشی داشته به نام قالی شیخ صفی که تصویر آن به صورت مطالبر سقف نقاشی شده بوده و هر که وارد تالار می‌شده، سقف و کف را یکی می‌دیده و در میانه عرش و فرش محو می‌شده است. جایی که زیبایی به والایی می‌رسد. اما غم انگیز آنکه سقف فروری ریزد و فرش نیز در دوره قجرها به دلالتی انگلیسی فروخته می‌شود تا زینت بخش موزه ویگتوریا و آلبرت لندن باشد. سقف در همان دوره قاجاریه به صورت مسطح تعمیر می‌شود و فرش هم چند سال پیش به سفارش میراث فرهنگی اردبیل بازایافت می‌شود که حالا نه در قندیل خانه اما در همان مجموعه و در مسجد جنت سرا در معرض دید است. اما چینی خانه که در زمان شاه عباس اول و به عنوان تالاری برای نگهداری چینی‌های سلطنتی دربار چین و هدیه امپراتور این کشور به دربار صفویه ساخته شده است، موزه‌ای شگفت‌انگیز که لااقل چهارصد و بیست، سی سال عمر دارد و متأسفانه عمده محتویات آن در جنگ‌های ایران و روس به غارت رفته و سر تا سر آرمیتاژ روسیه درآورده است. در سال دوم تالار را خواهید دید با مقرنس‌های گچبری توخالی و کرشمه خطوط اسلیمی و رنگی از پودر درخشان طلا. می‌شود تصور کرد وقتی هر چینی در محفظه خود بوده، چه دکور خیره‌کننده‌ای را پدید می‌آوردند است. دختر بچه‌ها جلوی در ایوان بلند جنت‌سرا



رنگ لاجوردی و مقرنس‌های طلایی و دست افشانی شاخه‌های سبز درختان در یاد می‌شوم.

صفی‌الدین ابوالفتح اسحاق اردبیلی در سال ۶۳۱ خورشیدی در روستای کلخوران اردبیل به دنیا آمد و با وجود آموزش علوم زمانه خود و مال و مکتب فراوانی که از راه کشاورزی به دست آورده بود، رو به گوشه‌نشینی و عزلت‌گزینی آورد. صفی‌الدین ابتدا کوه سیلان را عبادتگاه خویش ساخت اما بزودی خود را نیازمند پیروی دستگیر در طریقت عرفان دید و راهی شیراز شد و دیدار نجیب‌الدین بزغوش شیرازی شد و زمانی به این شهر رسید که شیخ دار فانی را وداع گفته بود. جوان شوریده به دیدار سعدی رفت که دیگر شاعری بیروجه‌اندیده بود. سعدی نسخه‌ای از دیوان خود را به او هدیه داد اما دوستی آن دو درنگرفت. صفی‌الدین حقیقت، چند سال در این شهر و دور و برش آواره بود تا اینکه آوازه شیخ زاهد گیلانی را شنید و راهی آن دیار شد. او ۲۵ ساله بود که به خانقاه شیخ زاهد پیوست و تا ۵۰ سالگی و مرگ مراد خود، آنجا ماند و پس از آن به اردبیل بازگشت و رنگ لاجوردی و مقرنس‌های طلایی و دست افشانی شاخه‌های سبز درختان در یاد می‌شوم.

صفی‌الدین ابوالفتح اسحاق اردبیلی در سال ۶۳۱ خورشیدی در روستای کلخوران اردبیل به دنیا آمد و با وجود آموزش علوم زمانه خود و مال و مکتب فراوانی که از راه کشاورزی به دست آورده بود، رو به گوشه‌نشینی و عزلت‌گزینی آورد. صفی‌الدین ابتدا کوه سیلان را عبادتگاه خویش ساخت اما بزودی خود را نیازمند پیروی دستگیر در طریقت عرفان دید و راهی شیراز شد و دیدار نجیب‌الدین بزغوش شیرازی شد و زمانی به این شهر رسید که شیخ دار فانی را وداع گفته بود. جوان شوریده به دیدار سعدی رفت که دیگر شاعری بیروجه‌اندیده بود. سعدی نسخه‌ای از دیوان خود را به او هدیه داد اما دوستی آن دو درنگرفت. صفی‌الدین حقیقت، چند سال در این شهر و دور و برش آواره بود تا اینکه آوازه شیخ زاهد گیلانی را شنید و راهی آن دیار شد. او ۲۵ ساله بود که به خانقاه شیخ زاهد پیوست و تا ۵۰ سالگی و مرگ مراد خود، آنجا ماند و پس از آن به اردبیل بازگشت و رنگ لاجوردی و مقرنس‌های طلایی و دست افشانی شاخه‌های سبز درختان در یاد می‌شوم.

صفی‌الدین ابوالفتح اسحاق اردبیلی در سال ۶۳۱ خورشیدی در روستای کلخوران اردبیل به دنیا آمد و با وجود آموزش علوم زمانه خود و مال و مکتب فراوانی که از راه کشاورزی به دست آورده بود، رو به گوشه‌نشینی و عزلت‌گزینی آورد. صفی‌الدین ابتدا کوه سیلان را عبادتگاه خویش ساخت اما بزودی خود را نیازمند پیروی دستگیر در طریقت عرفان دید و راهی شیراز شد و دیدار نجیب‌الدین بزغوش شیرازی شد و زمانی به این شهر رسید که شیخ دار فانی را وداع گفته بود. جوان شوریده به دیدار سعدی رفت که دیگر شاعری بیروجه‌اندیده بود. سعدی نسخه‌ای از دیوان خود را به او هدیه داد اما دوستی آن دو درنگرفت. صفی‌الدین حقیقت، چند سال در این شهر و دور و برش آواره بود تا اینکه آوازه شیخ زاهد گیلانی را شنید و راهی آن دیار شد. او ۲۵ ساله بود که به خانقاه شیخ زاهد پیوست و تا ۵۰ سالگی و مرگ مراد خود، آنجا ماند و پس از آن به اردبیل بازگشت و رنگ لاجوردی و مقرنس‌های طلایی و دست افشانی شاخه‌های سبز درختان در یاد می‌شوم.

محمد ملوک | دبیر گروه گزارش